

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)  
سال چهاردهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، پیاپی ۳۳

DOI: [10.22051/TQH.2017.8556.1129](https://doi.org/10.22051/TQH.2017.8556.1129)

## نقد قرائت سریانی - آرامی لوکز نبرگ از آیه ۲۴ سوره مریم

محمد علی همتی<sup>۱</sup>  
محمد کاظم شاکر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۲۶

### چکیده

مفسران مسلمان در تفسیر آیه «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» (مریم، ۲۴)، عبارات «تَحْتِهَا» و «تَحْتَكِ» را به معنای «زیر پای مریم» و واژه «سَرِيًّا» را عمدتاً به معنای «جوی آب» و برخی به «عیسی» تفسیر کرده و در نتیجه، این آیه را چنین معنا کرده‌اند: «پس عیسی مادرش را از زیر پای او ندا داد که: اندوهگین مباش؛ همانا پروردگار تو زیر پایت جوی آبی پدید آورده است.» کریستف لوکز نبرگ در کتاب «قرائت سریانی-آرامی از قرآن»، دو واژه «تحت» و «سریا» در این آیه را دارای اصلی سریانی دانسته، اولی را به «هنگام زایمان» و دومی را به «حلال‌زاده» معنا کرده است.

mohammadalihemati@gmail.com

mk.shaker@atu.ac.ir

۱. استادیار دانشکده علوم قرآنی شیراز (نویسنده مسئول)

۲. استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی

از نظر وی، این آیه را باید چنین معنا کرد: «پس، هنگام زایمان او مریم را ندا داد که: غم مدار، پروردگارت زایمان تو را حلال (مشروع) دانسته است». در این مقاله، با بررسی این واژه‌ها از نظر زبان شناسی تاریخی تطبیقی عربی - سریانی، دیدگاه لوکزنبرگ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نویسندگان، با بررسی معاجم سریانی، به این نتیجه دست یافته‌اند که برداشت‌های آقای لوکزنبرگ در تفسیر واژگان یاد شده، گزینشی و غیر دقیق است. از این رو، حتی مطابق منابع سریانی نیز دیدگاه مفسران مسلمان بر دیدگاه لوکزنبرگ ارجحیت دارد.

**واژه‌های کلیدی:** قرائت آرامی - سریانی، کریستف لوکزنبرگ، واژگان دخیل، مین تختها، سرتیا، زبان شناسی تاریخی تطبیقی، خاورشناسان.

## مقدمه

کریستف لوکزنبرگ در سال ۲۰۰۰م با انتشار کتاب " *The Syro-Aramaic Reading of the Koran A Contribution to the Decoding of the Language of the koran*" (قرائت آرامی - سریانی قرآن، جستاری در رمزگشایی از زبان قرآن) تلاش کرده تا قرائتی جدید از برخی آیات قرآن ارائه دهد. به نظر وی، با قرائت و خوانش موجود از قرآن، نزدیک به یک چهارم آیات قرآن دارای ابهام است که باید بر اساس زبان آرامی - سریانی رمزگشایی شود.

مهمترین ادله وی بر این ادعا، زبان مخلوط آرامی - عربی عصر نزول ساکنان مکه و عدم کتابت عربی در زمان نزول و الگو بودن خط سریانی برای خط عربی است. بر این اساس، وی معتقد است مسلمانان بعدی قرآن را به زبان اصلی نفهمیده و از این رو، قرآن نیاز به رمزگشایی دارد.

بعد از انتشار کتاب «قرائت آرامی - سریانی از قرآن» در سال ۲۰۰۰ میلادی، واکنش‌های مختلفی درباره دیدگاه‌های نویسنده این کتاب به راه افتاد؛ بطوریکه بسیاری به نقد دیدگاه‌های وی پرداخته، برخی نیز به تمجید از او برخاستند. تاکنون چند کنفرانس نیز در زمینه بررسی دیدگاه‌های وی انجام شده است. از جمله کنفرانس برلین در سال ۲۰۰۴ و کنفرانس دانشگاه نوتردام در سال ۲۰۰۵. در مجلات و فضای مجازی مطالب فراوانی نیز در نقد این کتاب نوشته شده که از جمله می‌توان به نقدی بر کتاب قرائت آرامی - سریانی قرآن (Review Of Die syro-aramäische Lesart des Koran: Ein Beitrag zur Entschlüsselung der) از فرانسوا دولوا و نقدی بر لوکزنبرگ از رابرت فینکس (Robert R. Phenix) و کورنلیا بی هورن (Cornelia B. Horn) اساتید دانشگاه سنت توماس و نیز نقد دانیل کینگ (Daniel King) با عنوان «قرآنی مسیحی؟ پژوهشی در پیشینه سریانی زبان قرآن در کار کریستف لوکزنبرگ» و مقاله «القرآن و لغه السریان» نوشته احمد محمد علی الجمل اشاره کرد.

در مورد آیه ۲۴ سوره مریم، به جز آقای احمد الجمل که مختصری بحث کرده است بقیه ورود پیدا نکرده‌اند. لوکزنبرگ بر اساس مبانی خود در زبان شناسی تاریخی تطبیقی، به بررسی شماری از آیات قرآن، از جمله آیه ۲۴ سوره مریم، پرداخته و از آنها رمزگشایی کرده است. ما ابتدا نظر وی را به اختصار گزارش می‌کنیم، سپس دیدگاه لغت‌شناسان و مفسران مسلمان را خواهیم آورد و در پایان، به تحلیل دیدگاه لوکزنبرگ بر اساس زبان شناسی تاریخی تطبیقی خواهیم پرداخت.

### ۱. گزارشی از دیدگاه لوکزنبرگ درباره آیه ۲۴ سوره مریم

وی معتقد است که مترجمان غربی نیز تحت تأثیر سنت اسلامی و مفسران مسلمان، آیه «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا» را به «سپس او (احتمالاً فرزندش) از زیر (پایش) او را صدا زد: نگران نباش، خداوند زیر (پایت) نهری قرار داده است»، ترجمه کرده‌اند. با این حال، باید گفت که این برداشت از آیه اشتباه است. باید این آیه را مطابق با

قرائت آرامی - سریانی اینگونه ترجمه کنیم: «سپس بلافاصله بعد از زایمانش او را صدا زد: نگران مباش، خداوند زایمان تو را حلال گردانیده است» (Luxenberg, 2007, P.142)

به نظر لوکزنبرگ، علت به خطا رفتن مسلمانان، عدم آگاهی از معنای دو واژه "تحت" و "سَرِیًّا" در زبان سریانی است. تمامی مفسران و مترجمان واژه "تحت" را به معنای "زیر" آورده‌اند. سیوطی هم از کرمانی نقل می‌کند که این واژه نبطی است و معنای بطن دارد. بنظر می‌رسد نظر کرمانی به معنای آرامی - سریانی "جنین" نزدیک است. اما آرتور جفری معتقد است که این واژه (تحت) در زبان آرامی، عبری، سریانی، عربی و حبشی یک ریشه دارد و به معنای "زیر" است. اما جفری به این نکته توجه نکرده که در زبان‌های سامی حروف اضافه و قیود سه حرفی در اصل اسم هستند و می‌توانند نقش فاعل و مفعول هم بگیرند. در هر حال فقدان ریشه فعلی برای واژه "تحت" در زبان عربی دلیلی است بر اینکه این واژه از واژگان دخیل بوده و از سریانی وارد عربی شده است (Luxenberg, 2007, P.128).

در واقع، کلمه  $\text{ܬܚܬ}$  (عربی تحت /  $\text{təħ t}$ ) - که در عربی حرف است - از کلمه سریانی  $\text{ܢܚܬܐ}$  ( $\text{nh et}$ ) - که در زبان سریانی فعل است - مشتق شده است (Luxenberg, 2007, P.128).

هرچند واژه آرامی - سریانی  $\text{ܢܚܬܐ}$  ( $\text{nhātā}$ ) و مشتقاتش از جمله:  $\text{ܢܚܬܐܢܗܐ}$   $\text{nahhata}$ ،  $\text{ܢܚܬܐܢܗܐܐܪܐܘܒܐ}$   $\text{nah tūt ā}$  و  $\text{ܢܚܬܐܢܗܐܐܪܐܘܒܐܐܪܐܘܒܐ}$   $\text{mah attā}$  به معنای جنین نمی‌باشند ولی از طریق معانی دیگری چون "تبار، اصل، منشاء"، این واژه را در این آیه باید به معنای "زایمان" دانست. از این رو، ترکیب "من تحت"، به معنای از زیرش صحیح نمی‌باشد و معنای صحیح، "بلافاصله هنگام زایمانش" است.

این قرائت باعث انسجام متن می‌شود. حرف «من» در اینجا به معنای «از» نیست بلکه قید زمان و به معنای «فوراً، بلافاصله» است. گرچه این معنا در ادبیات کلاسیک شاهدی ندارد اما در لهجه‌های عربی خاور نزدیک رایج است، بطوریکه در گویش رایج، عبارت «حَالٌ وَصُولِ قَلْتٌ لَهُ: بلافاصله بعد از رسیدنم به او گفتم»، معادل جمله «مِنْ وَصُولِ قَلْتِ لَهُ» است. به عبارت دیگر، در جمله فوق «مِنْ = حال» است که به معنای بلافاصله است.

با توجه به مطالب فوق ترکیب "مِنْ تَحْتِهَا" را باید "مِنْ نَحْتِهَا" در معنای "حال وضعها" دانست که ترجمه‌ای امروزی عبارت، "حال تولیدها یا حال ولادت‌ها" می‌باشد. دلیل قرضی بودن واژه تحت از نحت کاربرد آن در لسان العرب است. گرچه [لسان] معنای اصلی و اولی آن را تراشیدن، آورده اما در توضیح بیشتر کلمه های مستعمل [مشتقاتش]، به معنای آرامی و سریانی نیز اشاره شده است.

نحت در سریانی به معنای نزل، هابط و اسفل، آمده که در مشتقات این واژه معنایی چون، پایین آمدن، نازل شدن، حقیر، پست، دیده می‌شود. لسان هم در توضیح واژه نحت به همین معنا اشاره کرده، بطوریکه خرنق خواهر شاعر معروف، طرفه [بن عبد]، در بیت زیر سروده است:

الْخَالِطِينَ نَحِيَّتَهُمْ بِنُضَارِهِمْ      وَ ذَوَى الْغَنِيِّ مِنْهُمْ بِذَى الْفَقْرِ

لسان العرب واژه نحت را در این بیت به معنای "بیگانه ای که داخل قومی شود" گرفته است، با توجه به واژه نضار که متضاد نحت و به معنای "قوم خالص" است و با قرائن ذوی الغنی و ذوی الفقر که این دو هم متضادند، معنای پست و حقیر از نحت فهمیده می‌شود و این درست همان معنای آرامی - سریانی واژه است که از *natit* یا *naḥ ḥ it* (اقتباس شده است که در فرهنگ دسارس آمده است. مؤید این ادعا، توضیح فرهنگ *mannā*) ذیل این کلمه است که می‌نویسد: *ensāg* ( *naḥ ḥ it* / *naḥ ḥ it*) یعنی: نژاد پست.

لغت شناسان سوری هم با توجه به ترجمه عربی مشابه اینگونه آورده‌اند: *لثیم الحسب و النسب و الجنس، قلیل الحسب، و طیّ الاصل، وضع النسب و همین طور فرهنگ *mannā*) واژه *ensāg* ( *naḥ ḥ it*) را به معنای نازل و هابط آورده است. (Luxenberg, 2007, PP.129,130)*

*لسان العرب* در توضیح دیگری از النحیته می‌نویسد: النحیته: الطبیعه التي نُحِتَ علیها الانسان. ای: قطع (سرشتی که انسان بر آن بنا شده است) که احتمالاً نُحِتَ از سریانی *naḥ ḥ it* a قرض گرفته شد. این کلمه (نُحِتَ) احتمالاً هم آوای نَحَتَ *naḥ ata* آرامی - سریانی است و اعراب بعدی معنای تراشیدن را برایش فرض کرده و مطابق این معنا لسان العرب معانی قطع شدن، تراشیده شده، بریده شده به اندازه، را می‌آورد. به عبارت دیگر،

معنای "شکل داده شده" از این کلمه فهمیده شد. در هر حال، از توضیحات لسان العرب چیزی جز آرامی - سریانی بودن این کلمه فهمیده نمی شود. (Luxenberg, 2007, P.131)

لوکزنبرگ با این مطالب نتیجه می گیرد که عبارت «مِنْ نَحْتَهَا»، هم در لسان العرب و هم در زبان آرامی - سریانی به معنای زایمان است. منظورش این است که چون معنای اصل و منشاء در برخی مشتقات برای این واژه آمده پس می توان معنای زایمان و زاییده شده را از کلمه برداشت کرد. وی می افزاید قرآن در جای دیگر برای تولد و زاده شدن از واژه وَكَلَدَ استفاده می کند. اما فعل وَضَعَ اختصاص به «زایمان» دارد که در آیات ۲۲:۲ / ۳۵:۱۱ / ۴۱:۴۷ / ۴۶:۱۵ / ۶۵:۴۶ آمده است.

مسئله قابل تأمل این است که آیا قرآن نخواست به کارگیری واژه «تحت» در معنای نزل و انزل آن هم فقط یک بار در قرآن، از جنبه دینی و تاریخ دینی، ارتباطی بین زایمان (تولد) مسیح و غیر طبیعی بودن آن یا به عبارت دیگر ماوراء الطبیعی یا الهی و ملکوتی بودن این پسر [عیسی] او (خدا) برقرار کند. فعل *neh et* و مشتقاتش مانند *neh et* در زبان آرامی - سریانی در معنای پائین آمدن کاربرد دارد، نه معنای زاده شدن، بطوریکه درباره مسیح گفته می شود که او از آسمان پایین آمده، و یا درباره خدا گفته می شود که فرزندش را پائین فرستاده است.

با تحقیق در زبان آرامی برای فعل *نَزَلَ* - نازل می توان معانی زاده شدن را یافت بطوریکه جسنیوز (*gesenius*) ذیل واژه *נפל* *npal* که در معنای افتادن است معنای متولد شدن را می آورد. وی توضیح می دهد که این واژه [نحت] واژه فوق العاده ای است در مخالفت با فرایندهای منظم طبیعی. (Luxenberg, 2007, P.133,134)

### ۱-۱. مراد از ندا دهنده

درباره اینکه «ندا دهنده» چه کسی بوده، آیا مراد از او نوزادی است که هنوز در رحم مریم است یا نوزادی است که از مریم متولد شده است، برخی از مسیحیان، با اشاره به سفر حضرت مریم به مصر که در انجیل متی اپوکریفا (*Pseudo - Matthew*) آمده، احتمال دوم را برگزیده اند. (Luxenberg, 2007, P.135)

## ۱-۲. مراد از واژه سریا

لوکزبرگ آرای مفسران مسلمان و مترجمان غربی قرآن کریم در مورد معنای مراد از واژه «سریا» را چنین گزارش می کند: مفسران اسلامی و مترجمان غربی برای این کلمه معنای نهر، رودخانه، رودخانه ای به نام سری (sari) که این رودخانه به «رودخانه عیسی» معروف شده است، ذکر کرده اند. مجاهد و ضحاک هم اظهار داشته اند که این کلمه در زبان سریانی به معنای رودخانه است. در حالی که سعید بن جبیر بر آن است که این کلمه در زبان نبطی به معنای نهر است.

از سوی دیگر لغت gesus (عیسی) خود به معنای سری (sari)، به معنای اصیل و برتر آمده است. از همین روست که ابن زید می گوید: چه کسی می تواند «اسری منه» (شریف تر از عیسی) باشد.

ابن زید می گوید اگر «سریا» به معنای رودخانه باشد باید به جای تَحْتَكِ (زیر تو) گفته می شد «در کنار تو». طبری هم با توجه به عبارت «فَكُلِّي وَ اَشْرَبِي» در آیه ۲۶ همین سوره که مریم را امر به خوردن و آشامیدن کرده، واژه سریا را رودخانه فرض کرده است. از میان مترجمان غربی هم فقط پارت با قرار دادن علامت سؤال در جلوی ترجمه این کلمه، اظهار داشته که معنای این واژه روشن نیست. (Luxenberg, 2007, PP.135,136)

لوکزبرگ می افزاید که ریچارد بل در ترجمه خود از قرآن، به استناد سخن طبری، واژه «سریا» را همان رود یا نهر دانسته است، در حالی که طبق نظر برخی از مفسران می توان به معنای پیشوا، رهبر و جوانمرد باشد بطوریکه در لسان العرب نیز ذیل مدخل "سرا" همین معنای ارائه شده است. پارت هم در تفسیر خود به رودلف (w.Rudolph) ارجاع می دهد که معتقد است محمد (ص) در این جا تحت تأثیر موضوع سفر حضرت مریم به مصر قرار گرفته - که در فصل بیستم متای اپوکریفا (pseudo - Matthew) آمده - و بر همین اساس، این مطلب را به داستان تولد عیسی منتقل کرده است.

عبارت این کتاب اپوکریفایی چنین است: «عیسای تازه متولد شده، با چهره بشاش در آغوش مادر، به درخت خرما اشاره می کند و می گوید: ای درخت خم شو و مادرم را از میوه های تازه ات نیروی تازه بده ... و همچنین از ریشه هایت که در زمین است آبی جاری

ساز تا تشنگی ما را فرونشاند.» برخی از پژوهشگران غربی در ترجمه آیه ۲۴ سوره مریم به عبارت بالا توجه داشته‌اند. اما باید گفت شرط اساسی برداشت قرائت صحیح از دیدگاه زبان شناسی، خود متن قرآن است.

این که قرآن داستان سفر حضرت مریم را به مصر در این آیه به تصویر کشیده باشد با توجه به خود متن قرآن به هیچ وجه قابل اثبات نمی‌باشد. تنها واژه درخت خرماست که در هر دو عبارت آمده، در حالی که قرائن دیگر کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، هنگامی که طبق متای اپوکریفا، عیسی نوزاد به درخت خرما اشاره می‌کند تا آبی جاری سازد، این منطقی است زیرا آنها در بیابان بودند و درخواست آب برای رفع تشنگی بود. اما در قرآن در سوره مریم این چنین نیست.

درست است که مریم طبق آیه ۲۳ همین سوره "فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا" آرزوی مرگ می‌کند اما این درخواست به دلیل تشنگی نیست، بلکه آنچه او را ملول کرده بود طعنه‌های خانواده اش بخاطر بارداری غیر مشروعش بود، چنانکه در آیه ۲۸ همین سوره می‌گوید «يَا أُخْتَ هَازُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ إِمْرًا سَوْءٌ وَ مَا كَانَتْ أَثْمَكَ بُعِيًّا» و همچنین احتمالاً به همین دلیل بعد از باردار شدن، آیه می‌گوید: «فَأَنْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا».

نکته قابل توجه اینکه باید مجهول ترجمه شود بدین معنا که «او بیرون رانده شد» و مؤید آن حرف «مِن» در آیه ۱۶ همین سوره است «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْيًّا» است که حالت مجهول را تأیید می‌کند، که این قاعده در زبان آرامی - سریانی رایج است، اما طبق نحو عربی غیر ممکن است. بنابراین بر اساس این قرائت، معنای آیه این می‌شود: مریم توسط خانواده اش بیرون رانده شد تا از طعنه طاعنان در امان بماند؛ زیرا او مظنون بود که به طور غیر مشروع باردار شده است.

با توجه به اینکه در قرآن صحبت از نامزد یا همسری برای وی نیست، این تفسیر بیشتر مورد تأیید قرار گیرد. از این رو، طبیعی است که حضرت مریم در آیه ۲۳ همین سوره قبل از زایمان آرزوی مرگ کند. بنابراین سخنان نوزاد تازه متولد شده برای تسلاهی مادرش و رفع اتهام از وی است، نه اینکه اشاره به رودخانه باشد.



طبری هم که در ذیل این آیه به عبارت «فَكُلِي وَاشْرَبِي» استناد کرده، به خطا رفته است؛ زیرا نمی توان گفت که فقدان غذا و آب مانع آشامیدن مریم بوده بلکه شرایط روحی وی دلیل این کار بوده است. با این توضیح، سخنان فرزندش امیدی به وی داد تا براحتهی غذا و آب میل کند. (Luxenberg, 2007, PP.136-140)

## ۲. دیدگاه مفسران مسلمان درباره آیه ۲۴ سوره مریم

در تفاسیر اسلامی در مورد معنای «تحت» هیچ اختلاف نظری دیده نمی شود. اما در این که مراد از ندادنده چه کسی است، همینطور مراد از سر یا چیست، اختلاف نظر وجود دارد.

### ۲-۱. مراد از ندا دهنده از نظر مفسران مسلمان

در مورد این که مراد از ندادنده کیست، دو قول وجود دارد: ۱. جبرئیل؛ ۲. عیسی. در مورد دوم، قولی می گوید که عیسی در رحم مادرش وی را ندا داد و قول دیگر می گوید عیسی بعد از تولد مادرش را صدا زد.

در میان مفسران، محمد بن جریر طبری معتقد است که جبرئیل حضرت مریم را ندا داده است. وی در این باره چند قول را نیز حکایت کرده است. همچنین در تأیید این قول از ابن عباس نقل می کند که حضرت عیسی (ع) تا زمانی که مادرش او را نزد قومش نیاورد سخن نگفت. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۵۱ و ۵۲).

دیدگاه طبری در تفاسیر دیگر انتشار یافته و بوضوح می توان دریافت که غالباً مأخوذ از آراء اوست. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۵۲۷، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۲، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۹، رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۶۸) طبرسی در مجمع البیان آورده است: در تفسیر "مِنْ تَحْتِهَا" از ابن عباس آمده که جبرئیل سخن او را شنید و از زیر آستینش به او ندا کرد. برخی هم گویند جبرئیل از دامنه کوه او را ندا کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۱۶۰)

برخی تفاسیر هم جبرئیل را با لفظ قیل آورده‌اند. (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۵۳) مطابق گزارش طبری، برخی ندا کننده را عیسی گفته‌اند که هنوز متولد نشده و در رحم مادرش بود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۵۱ و ۵۲). همچنین طبری این قول را نیز نقل می‌کند که حضرت عیسی بعد از تولدش مادرش را ندا داد (همان).

علامه طباطبایی می‌گوید: سیاق می‌رساند که ضمیر فاعل در جمله «ناداه» به عیسی بر می‌گردد نه به روح که در سابق نامش به میان آمده است و این، ظهور قید «من تحتها» را تأیید می‌کند چون با حال مولود نسبت به مادرش در حین وضع حمل مناسب تر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۵). مفسران در تفسیر این عبارت نیز اختلاف نظر دارند بطوریکه در مدلول دقیق آن نظر واحدی ندارند. از این رو، برخی آن را پایین‌پا، برخی پائین کوه و عده‌ای زیر آستین معنا کرده‌اند. علامه طباطبایی قید «مِنَ تَحْتِهَا» را حال مولود نسبت به مادرش در حین وضع حمل مناسب تر می‌داند. (همان)

## ۲-۲. مراد از «سریّا» در تفاسیر اسلامی

در مورد معنای مراد از واژه «سریّا» در تفاسیر اسلامی دو نظر وجود دارد: دیدگاه نخست که بیشتر تفاسیر بر آن هستند، نهر و جوی آب است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۵۳؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۶). مطابق نظر دوم، «سریّا» به معنای «مرد شریف و بزرگ» است (همان). برخی مفسران، آن مرد شریف و بزرگ را عیسی می‌دانند. طبری نیز این تفسیر گزارش کرده و آن را به ابن زید نسبت داده است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۵۳).

## ۳. بررسی و نقد دیدگاه کریستف لوکزنبرگ

برای بررسی جامع دیدگاه لوکزنبرگ در مورد آیه ۲۴ سوره مریم، باید به این سؤالات پاسخ داده شود:

۱. آیا واژه «تحت»، آنچنان که لوکزنبرگ می‌گوید، معرب «نحت» است؟

۲. آیا واژه «مِنْ» در زبان عربی و سریانی به معنای «بلافاصله» به کار رفته است؟ و اگر چنین باشد می توان همین معنا را در این آیه نیز جاری دانست؟
۳. آیا از عبارت "مِنْ تحتها" معنای (بلافاصله بعد از زایمانش) فهمیده می شود؟
۴. آیا واژه سریاً مُعَرَّبٌ واژه سریانی «شریا» به معنای حلال زاده یا مشروع است؟
۵. آیا بین درون مایه آیه ۲۴ سوره مریم با آنچه در انجیل متّای اپوکریفا در باب سفر حضرت مریم به مصر آمده، ارتباطی وجود دارد؟

### ۳-۱. بررسی واژه تحت

چنانکه دیدیم لوکزبرگ معتقد است کلمه تحت چون ریشه عربی ندارد از واژه «*ṭah et*» آرامی - سریانی اقتباس شده است. در گزارشی که در ادامه خواهد آمد مشخص می شود که اینگونه نیست. در زبان سریانی دو فعل وجود دارد که تقریباً معنای یکسانی دارند؛ این دو فعل عبارتند از *nahata* (و *tahata*) به معنای "نَزَلَ، اِنْخَدَرَ، ذَلَّ".

مشقات هر کدام از این دو کلمه ذیل همان واژه آمده است. از این رو، این دو فعل ضمن آن که در برخی معانی یکسان هستند، اما در ساختار و شکل اندکی با هم تفاوت دارند. واژه تحت در معاجم سریانی ذیل *ṭah et* آمده و نه ذیل ریشه *ṭah et* که لوکزبرگ مدعی است. علاوه بر این، هیچ یک از لغت شناسان سریانی ادعا نکرده اند که واژه *ṭh at* از *ṭh et* مشتق شده است. فرهنگ *ṭh et* (واژه *ṭh et*) را به «زیر» معنا کرده و اشاره می کند که به ضمیر بارز اضافه می شود و همچنین *ṭh et* (واژه *ṭh et*) را نیز به معنای «زیر» ترجمه کرده است (منّا، ۱۹۷۵، ۶۳۰). همچنین فرهنگ کاستاز (Costaz) هم *ṭh et* (واژه *ṭh et*) را به معنای «زیر» آورده و واژه *ṭh et* (واژه *ṭh et*) را تحتانی و سفلی ترجمه کرده است (costaz, 2002, 309).

نکته قابل توجه اینکه در توضیح همین واژه، از عبارت باطن "القدم" - (of the sole foot) - به معنای کف پا به عنوان شاهد استفاده کرده است (همان). این توضیح

نشان می دهد معنای مجازی که برای تحت در زبان عربی وجود دارد در زبان سریانی نیز مستعمل است و در آیه ی مورد بحث نیز معنای مجازی از «مِن تحت» منظور است.

پین اسمیت نیز واژه  $\text{ܬܗܝܬܐ}$  (th ēt) را یک قید می داند و می گوید بطور درست با حرف اضافه ܠ (لام) یا ܡܢ (مِن) می آید و با اشکال مختلف همگی معنای "زیر" می دهد. (smith. 1903, 611)

پین اسمیت این کلمه را با واژه  $\text{ܪܟܠܐ}$  (reklu) (رجل) آورده و این اصطلاح را «زیر پا» معنا کرده است (همان). این عبارت پین اسمیت نشانگر آن است که موارد کاربرد این واژه در عربی و سریانی یکسان است. مضافاً اینکه آن را به کلمه  $\text{ܪܟܠܐ}$  (رجل) اضافه کرده است که در قرآن کریم نیز در مواردی شاهد چنین کاربردی هستیم.

این موارد عبارتند از: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ» (انعام، ۶۵)؛ «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ الرِّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْضِهِمْ» (مائده، ۶۶)؛ «يَوْمَ يَعْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنَ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْضِهِمْ وَ يَتَوَلَّوْا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت، ۵۵). گفتنی است در این آیات تحت در معنای مجازی به کار رفته است.

بنابراین روشن شد که این واژه در زبان سریانی واژه ای مستقل است و بر خلاف آنچه لوکزنبرگ ادعا کرده است هیچگاه ذیل واژه  $\text{ܢܗܝܬܐ}$  (nh et) نیامده است. ممکن است این دو فعل در اصل یکی بوده و بر اثر تصحیف اینگونه گردیده باشند ولی وجود واژه تحت در هر سه زبان عربی، عبری و سریانی دلیلی است که این واژه در معنای «زیر» سامی اصل است (احمد جمل، ۲۰۰۷، ص ۲۴) در اینکه این واژه آیاریشه عربی دارد یا خیر احمد جمل می گوید: با پژوهشی که در شعر جاهلی انجام گرفت به ۱۲۰ بیت شعر از ۴۶ شاعر دست یافتیم که این واژه را بکار گرفته اند از جمله سخن عنتره که می گوید:

فَعَيْشُكَ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرِ يَوْمًا      و لا تحت المذلة الف عام  
لها من تحت برقعها عيونٌ      صحاح حشو جفنيها سقام

و سخن سعیه بن غریض که می گوید:

احياء هم خزي على امواتهم      و الميتون شرار من تحت الثرى

و همچنین این کلمه با حرف «مِن» با همین معنا در اشعار جاهلی آمده است. در بیتی از مهلهل بن ربیعہ آمده است:

لَيْتَ السَّمَاءَ مِنْ تَحْتِهَا وَفَعَتْ      وَ حَالَتِ الْأَرْضُ فَاَنْجَابَتْ بِمَنْ فِيهَا

و چون به این کلمه در سه زبان عربی، سریانی و عبری بنگریم در می یابیم که در لفظ و معنا نزدیک به هم هستند و مشخص می شود که سامی اصل هستند و نه فقط سریانی یا نبطی.

عربی «= تحت =» tah t

سریانی «= ܬܗܬ =» tah t

عبری «= תחת =» tah at (احمد جمل، ۲۰۰۷، صص ۲۴ و ۲۵)

با بررسی در معاجم عربی - سریانی ذیل کلمه نحت هیچکدام معنای «زایمان کردن» را برای این کلمه نیاورده اند، بلکه معانی «افتادن، نازل شدن و فرود آمدن» ذکر کرده اند. لوکزبرگ معتقد است توضیحات لسان العرب ذیل واژه «نحت» نمایانگر معرّب بودن این واژه است. از این رو، شعر خرنق خواهر طرفه بن عبد را شاهد می گیرد.

در پاسخ باید گفت همین استناد لوکزبرگ به شعر خرنق دلیلی است بر اینکه این واژه در قبل از اسلام بین اعراب کاربرد داشته و آن را می شناخته اند و احتمال سامی اصل بودن این کلمه تقویت می شود. مسأله ای که اینجا پیش می آید این است که اگر این واژه سامی اصل باشد چگونه معنای اصلی آن در عربی «تراشیدن - بریدن» است ولی در سریانی افتادن و پایین آمدن؟ و چرا در برخی مشتقات، شباهت معنایی اقلی دارند. مانند واژه نحیت در شعر خرنق.

در پاسخ به این سؤال، لوکزبرگ مدعی است اعراب بعدی معنای واژه «نحت» را به تراشیدن و بریدن سوق دادند. باید پرسید منظور از اعراب بعدی کدامند. قطعاً آنها نباید اعراب صدر اسلام باشند؛ زیرا قرآن درباره اصحاب حجر می فرماید: «وَ كَانُوا يَنْجُثُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ» (و [برای خود] از کوه ها خانه هایی می تراشیدند که در امان بمانند) (حجر، ۸۲).

فعل ینحتون در این آیه به معنای تراشیدن است و بر همین اساس لغویون و اعراب بعدی این معنا را از واژه فهمیده اند. اما این که آقای لوکزنبرگ با این استدلال که چون در ذیل واژه «نحت» در برخی معاجم سریانی معنای فرود آمدن از بالا یا آسمان برای این واژه آمده، معنای زایمان کردن را به این واژه نسبت داده است، بسیار تکلف بر انگیز به نظر می رسد. البته سیاق آیه ۲۴ سوره مریم دلالت می کند که عیسی در هنگام ولادت به مادرش گفته باشد «لاتحزنی...».

علامه طباطبایی می گوید: از آنجا که جمله " َوَ نَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا" بعد از جمله «قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا» آمده، استفاده می شود که مریم (ع) این جمله را در حین حمل یا بعد از آن گفته است که دنبالش بلافاصله عیسی گفت «ألا تحزنی». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴ ص ۵۶) ابوحیان اندلسی نیز در ذیل «فناداها» می گوید: و ناداها آی. حالة الوضع، یعنی در حالت زایمان. (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۵۳) بنابراین، این گونه مطالب از سیاق و فحوای کلام فهمیده می شود نه از طریق واژه شناسی تطبیقی.

نکته دیگر آن که، معانی پائین آمدن، نزول کردن و پست شدن که برای واژگان نحت و تحت آمده است، همگی به نوعی با معنای «تحت» که به معنای زیر است مرتبط می شود، از این رو، ممکن است با این واژه نحت از تحت سریانی باشد نه بر عکس.

### ۲-۳. بررسی واژه «من»

لوکزنبرگ معنای «بلافاصله» را برای حرف من طبق گویش خاور نزدیک [که احتمالاً منظورش سوریه و اطراف آن] ارائه داده است. با بررسی که در معاجم سریانی صورت پذیرفت معنای منْ ح (min) (از) دقیقاً معادل معنای عربی است. فرهنگ مَنَّا (manna) برای ح (min) شانزده معنا ذکر کرده است، از جمله: ابتدای زمان، ابتدای مکان، تبعیض، تعلیل، فصل، بیان .... و معنای شانزدهم را مذ و منذ، (بعد از اینکه و زمانیکه) بیان کرده است.

وی گوید در این حال (آنگاه که مِنْ معنای زمانیکه بدهد) باید بعد از مِنْ حرف دال بیاید. (منّا، ۱۹۷۵، ۳۶۶) می بینیم که معنای مورد نظر لوکنزبرگ در عبارات مَنَّا (mannā) یافت نمی شود و اگر معنای شانزدهم را بپذیریم در عبارت مورد بحث (مِنْ تحت) اگر مِنْ را زمان زایمان فرض کنیم طبق توضیح مَنَّا (mannā) باید بعد از حرف مِنْ حرف دال بیاید که اینگونه نیست.

فرهنگ مَنَّا عبارت مَنَّ (min l taḥ ta) را به معنای مِنْ تحت و مِنْ اسفل ذکر کرده است. (همان) پین اسمیت برای «مِنْ» معانی مختلفی بیان می کند که مطابق با معانی مضبوط همین حرف در عربی است. قابل توجه اینکه وی مِنْ را با کلماتی که نشانگر جهاتند آورده از جمله: مَنَّ (min yeminu) به معنای «در سمت راست» و مَنَّ (min semulu) به معنای «در سمت چپ» و همچنین مَنَّ (min kebu) به معنای «در جنب» (smith, 1903, P.281).

پین اسمیت علاوه بر عبارت فوق برای مِنْ معنای کنار را نیز می آورد و می گوید مَنَّ (dileh min) یعنی در کنار خود (همان، ص ۳۶۶). این مثال اخیر می تواند با سخن ابن زید که عبارت «مِنْ تحتها» را به معنای «در کنارش» دانسته است، مطابقت داشته باشد. در شعر مهلهل بن ربیعہ هم که از شعرای جاهلی است دیدیم که واژه مِنْ با تحت و ضمیر بکار رفته است. در قرآن کریم که ۵۱ مرتبه واژه «تحت» به کار رفته، در ۴۴ مرتبه اش با حرف «مِنْ» قرین شده است. با این توضیح، مشخص می شود که معنای «بلافاصله بعد از زایمان» برای عبارت «مِنْ تحتها» نه از جنبه لغت شناسی تأیید می شود و نه از جنبه منقولات تاریخی که در حکایات مربوط به زایمان حضرت مریم (س) وارد شده است.

### ۳-۳. اشاره ای به واژه «تحت» در قسمت دوم آیه

لوکنزبرگ واژه «تحت» در عبارت «فَدَّ جَعَلَ رُؤُوكَ مَحْتَكِ سَرِيًّا» را نیز به معنای زایمان می داند و نه به معنای نهر و معتقد است مفهوم ندارد که بگوییم زیر پایش یک نهر قرار دارد! همان طور که پیشتر گذشت گاهی این کلمه در معنای مجازی به کار می رود که در اینجا

نیز معنای مجازی مراد است. در آیات دیگری از قرآن کریم نیز کلمه تحت در معنای مجازی به کار رفته است.

به طور مثال، در آیه دهم سوره تحریم: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ...»، عبارت «تحت عبدین» در معنای مجازی به کار رفته است که منظور از آن، «در خدمت بودن» است (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۸، ص ۳۳۶).

همینطور در آیه ۶۶ سوره مانده: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ» (و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند) عبارت «از زیر پاهایشان خوردنی می‌رسد» به چه معناست؟

قطعاً در این آیه هم معنای مجازی مراد است. گفتنی است که واژه (تحت) ۳۸ مرتبه با واژه «جنات» هم‌نشین شده است. به عنوان مثال در آیه ۵۱ سوره زحرف می‌فرماید: «وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ» ملاحظه می‌کنیم که فرعون می‌گوید: «هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي» یعنی این رودخانه‌ها از زیر من می‌گذرد. بی‌شک مفهوم این عبارت این نیست که جویبارها از زیر پایش می‌گذرد، بلکه منظور اشراف وی بر این منطقه است یا اینکه این جویبارها از کنار تخت و بارگاه وی می‌گذرد. در سه مورد از موارد کاربرد «تحت» در قرآن کریم (اعراف، ۴۳؛ یونس، ۹ و کهف، ۳۱)، این کلمه به ضمیر جمع مذکر اضافه شده است.

به طور مثال، در آیه ۹ سوره یونس می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (از زیر آنها) که ضمیر به اشخاص بر می‌گردد و در این آیه مسلماً منظور از کنارشان یا پائین ترشان در جریان است. فخر رازی نیز به این مطلب اشاره کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۵۲۸).

یادآوری می‌شود چنانچه این موارد از قرآن را به عنوان شاهد آوردیم صرفاً به این خاطر است که نویسنده در زبان شناسی مورد نظر خود متن و سیاق را شرط اساسی می‌داند.



### ۳-۴. بررسی واژه «سریا»

دیدگاه مفسران اسلامی در رابطه با واژه سریا گذشت اما لوکزنبیرگ اصل این واژه را «سریا» می‌داند و سریا را به معنای حلال زاده دانسته است. با بررسی در معاجم سریانی مشخص گردید لوکزنبیرگ در معنای "سری" به «حلال زاده، مشروع» به خطا رفته است. زیرا پین اسمیت ذیل **ܣܪܝܐ** (šə rā / شرا) معنای حل کردن و سست شدن را آورده است (smith, 1903, P.598)

فرهنگ کاستاز (costaz) هم در توضیح **ܣܪܝܐ** (šrāyā) معنای ای چون اطلاق، تفریق، قطع و حل را آورده است. (costaz, 2002, P.382) در این معجم عبارتی که بر حلال یا مشروع بودن دلالت کند برای این واژه یافت نشد. بعلاوه، واژه اطلاق، تفریق، قطع و حل همگی بر «جدا شدن و حل شدن» دلالت می‌کند نه بر مشروع بودن. فرهنگ **ܡܢܐ** (mannā) هم برای این کلمه ۲۷ معنا آورده که اولین را حل، نزل، سکن و دومین معنا را انحل، ذاب و سومین معنا را انفک ضد انعقد و چهارمین معنا را **ܐܫܗܠ**... و بیست و یکمین معنا را **ܚܠܠ**، متضاد **ܚܪܡ**، آورده است. (منّا، ۱۹۷۵، ص ۶۱۶)

نکته قابل توجه اینکه معنای نزل و سکن که برای واژه حل در معاجم سریانی آمده، دقیقاً لغویون عرب هم ذیل واژه حل آورده‌اند. خلیل ابن احمد در توضیح حل می‌گوید: **المحل، نقیض المرتحل ... و المحل مصدر كالحلول و الحل و الحلال و الحلول و الحلل:** جماعه الحال النازل ... و المحله: منزل القوم (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۶) لسان العرب نیز همین معنای را آورده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۶۳).

بنابراین معنای اولیه این واژه همین است که خلیل ذکر کرده که در هر دو زبان عربی و سریانی یکی است. حلال بودن معنای ثانوی برای این کلمه به شمار می‌آید و از طرفی برخی از معاجم سریانی اصلاً معنای حلال بودن را برای این کلمه نیآورده‌اند (costaz, 2002, P.382)

احمد جمل می‌گوید: من با لوکزنبیرگ موافقم که واژه «سریا»، سریانی اصل است و معنای نهر نمی‌دهد زیرا با تفحص در معاجم متعدد سریانی واژه **ܢܗܪܘ** (nahru) را برای رودخانه یافتیم که هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنا با واژه نهر در زبان عربی

مطابقت دارد و نشانگر این است که این واژه سامی است. همانطوری که در عربی واژه سری را به معنای رودخانه نیافتیم.

با این تفاوت که من با لوکزنبرگ در معنای «سریا» که به معنای حلال بودن فرض کرده مخالفم زیرا این ادعا مستند به قاعده لغوی نیست که کلمه  $\text{šrāyā}$  را به معنای حلال از فعل  $\text{šrā}$  بدانیم.

نکته دیگر اینکه فعل  $\text{ḥl}$  به معنی  $\text{ḥl}$  الشی حلالاً یعنی صار مباحاً نیست بلکه به معنی «حرر» و «اطلق» است. از این رو،  $\text{ḥl}$  در این جا به معنای آزاده از بند است و این موضوع در کاربرد این فعل در اناجیل سریانی مشهود است. نویسنده اناجیل اسم مفعول نکره  $\text{sə re}$  به معنای محلول و اسم مفعول معرفه آن را  $\text{šaryā}$  به معنای المحلول آورده و نه به معنای حلال (احمد جمل، ۲۰۰۷، ص ۲۹). واژه  $\text{šaryā}$  که  $\text{sryā}$  تلفظ می‌شود به این اعتبار است که شین در سریانی معادل سین در عربی است [البته منظور نویسنده این است که در برخی موارد این جا به جایی اتفاق می‌افتد] و به معنای اسم مفعول از فعل  $\text{ḥr}$  به معنای المحرر است.

قرآن کریم این کلمه را در آیه ۳۵ سوره آل عمران ذکر کرده است «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» زن عمران که مادر حضرت مریم (ع) است نذر کرد که فرزندش را که باردار بود  $\text{mḥr}$  به معنای خالص برای خدا باشد، که چیزی از دنیا آن را به خود مشغول نکند. از طرفی چون این نذر جز در پسران محقق نمی‌شد خدا این نذر را در دخترش مریم ادا کرد و حضرت عیسی  $\text{mḥr}$  (خالص برای خدا) معرفی شد تا نذر تحقق یابد. (همان، صص ۲۹-۳۱)

در هر حال ندا کننده هر کس باشد ناگزیر باید با زبان حضرت مریم (ع) سخن بگوید تا قلبش با این کلام «أَلَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا» آرامش یابد و بنابراین در این جا منظور از  $\text{sryā}$  حضرت عیسی (ع) است.  $\text{sryā}$  واژه ای سریانی اصیل است. این واژه به معنای «المحرر» (خالص) است و این برای قرآن عیب نیست و از عربیت آن چیزی نمی‌کاهد بلکه از جنبه های اعجاز لغوی قرآن است که با خود قرآن تفسیر می‌شود (همان)؛ بدین صورت که در سوره آل عمران عبارت «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» آمده است.

اگر سؤال شود چرا قرآن به جای کلمه سریا از کلمه عربی استفاده نکرده و نگفت «آلا تحرنی قد جعل ربک تحتک محرراً» می‌گوییم که معنای فعل «حَرَّرَ» در عربی از شمول بیشتری برخوردار است هم به معنای آزادی از بند و هم به معنای آزادی از عبودیت و بندگی است. در حالیکه در زبان سریانی بین این دو معنا فرق قائل شده است.

پس فعل *ܐܫܪ* (āšer) و اسم مفعول آن *ܫܪܝܐ* (šaryā) که معادل سریا در عربی است به معنای آزادی از بند است و فعل *ܫܪܝܐ* (šaryā) و اسم مفعول *ܫܪܝܐ* (šaryā) است که از لحاظ لفظ و معنا مطابق عربی است به معنای آزادی از بندگی است و به همین خاطر قرآن کلمه سریانی را به کار برده که زبان حضرت عیسی (ع) و مادرش است. این از نمونه های اعجاز لغوی قرآن است زیرا؛ در این جا تأکید می‌شود که این آزادی از تمام امور دنیوی است جز عبادت خدا (همان، ص ۳۱).

بیان احمد جمل احتمالاً دیدگاه کسانی که سَرِیَّا را در آیه مورد بحث حضرت عیسی (ع) می‌دانستند تأیید می‌کند و احتمالاً هم به نوعی، مفهومی که در برخی روایات آمده که منظور حضرت عیسی (ع) است روشن می‌کند. نگارنده معتقد است سریا در این آیه با رودخانه بیشتر قابل جمع است تا شخص، زیرا گر چه باردار شدن حضرت مریم از طریق معجزه اتفاق افتاده ولی بقیه مراحل بصورت طبیعی روند خود را ادامه داده، بطوریکه آیات نیز اشاره دارد که هنگام زایمان ایشان را درد فرا گرفت (مریم: ۲۳) قطعاً حضرت مریم بعد از زایمان برای شستن نوزاد و شستشوی خود به آب نیاز دارد. بنابراین، احتمال دارد ادب والای قرآن مانع از صراحت این موضوع شده و به لفظ (سریا) بسنده کرده است.

تغییر جمله معلوم "فَانْتَبَذَتْ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا" به مجهول هم وجهی صحیح ندارد؛ زیرا اگر خانواده مریم (س) از باردار شدن وی قبل از زایمان آگاه شده بودند همان موقع می‌گفتند «یا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا، يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعْیًّا» نه اینکه بعد از آوردن عیسی (ع) نزد قومش و آگاه شدن قوم مریم از جریان، این سخنان را به وی بگویند. به علاوه، این ادعا که پیامبر موضوع سفر حضرت مریم (ع) به مصر را به تولد عیسی (ع) ارتباط داده ادعایی است که فقط توسط پژوهشگران غربی مطرح شده است و هیچ مفسر اسلامی چنین ادعایی ندارد.

## نتیجه گیری

از آنچه آمد می‌توان بر نکات زیر به عنوان نتیجه این مقاله تأکید کرد.

۱. کریستف لوکزنبرگ در کتاب «قرائت سریانی - آرامی» ادعا کرده است که بسیاری از آیات قرآن مشتمل بر واژه‌های سریانی است و مسلمانان به اشتباه آنها را واژه‌هایی عربی فرض کرده و اشتباه معنا کرده‌اند که از جمله این آیات، آیه ۲۴ سوره مبارکه مریم است.

۲. لوکزنبرگ ادعا کرده است کلمه تحت ریشه عربی ندارد و از واژه «*nh et*» آرامی - سریانی اقتباس شده است. این واژه در زبان سریانی به معنای «تبار، اصل، منشاء» است، اما لوکزنبرگ در این آیه آن را به معنای «زایمان» دانسته است! این در حالی است که در معاجم سریانی، «*nahata* - *nāḥat*» و «*tahata* - *tāḥat*» دو فعل جداگانه هستند. گرچه این دو فعل در زبان سریانی دارای معانی مشترکی هستند، اما واژه تحت در معاجم سریانی ذیل *tah t ḥata* آمده و نه ذیل ریشه *nh et* که لوکزنبرگ مدعی است. فرهنگهای سریانی چون *ṯāḥā* و *ṯāḥā* (کاستاز، واژه *ṯāḥā* (tehat) را به «زیر» معنا کرده‌اند.

۳. همچنین لوکزنبرگ ادعا کرده است که واژه «سریا» همان «شریا» در زبان سریانی است که از ریشه *šā rā* / (شرا) مشتق شده است. وی این واژه را به معنای «حلال زاده» گرفته است. بیشتر معاجم سریانی اصلاً این معنا را برای کلمه *šā rā* / (شرا) نیآورده‌اند. با این حال، در برخی از معاجم به این معنا نیز در ضمن معانی دیگر اشاره شده است. برخی از پژوهشگران مسلمان نیز برآنند که این کلمه به معنای «محرر» است؛ بنابراین «سریا» در سوره مریم، معادل «محرر» در سوره آل عمران است. با این حال، سیاق آیات سوره مریم با دیدگاه مفسران مسلمان سازگار است که سریا را عربی و به معنای نهر گرفته‌اند.

## منابع

- *قرآن کریم*. مترجم: محمد مهدی فولادوند
- آلوسی سید محمود، ۱۴۱۵ هـ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- اندلسی ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت: دار الفکر.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر والتنویر*، بی جا: بی نا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحور الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، ۱۴۱۴ هـ، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ق، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- الجمل، أحمد محمد علی، ۲۰۰۷م، «القرآن ولغة السریان»، *مجلة كلية اللغات والترجمة* - جامعة الأزهر شماره ۴۲. المكتبة الشاملة.
- رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ق *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰هـ، *مفاتیح الغیب*، الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷هـ، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مترجم: موسوی همدانی سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مترجم: مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲هـ، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹هـ، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
- یعقوب اوجین منّا، المطران، ۱۹۷۵م، *قاموس کلدانی عربی*، بیروت: منشورات مرکز بابل.
- Costaz, Louis,S.J, 2002, *Dictionnaire Syriacus- Français, Syriac-English Dictionary*, Third Edition, Beyrouth, dar el- machreq.
- Luxenberg, Christoph, 2007, *the syro – aramaic reading of thr Koran a contribution to the decoding of the language of the Koran*, Berlin, schiler.
- Margoliouth. MRS. 1903, *A Compendius Syriac Dictionary*, A Founded upon The Thesarus Syriacus of R.Payne Smith, OXFORD AT THE CLARENDON PRESS.

#### Bibliography:

1. Qur` an. Trans: Muhammad Mahdi Fülādvand
2. Ālūsī Sayyid Muhammad (1994) Rūh al-Ma` ānī Fī Tafsīr al- Qur` an al-` Az Īm, ` Alī `Abdolbārī ` Afīyah, Beirut: Dār al-Kutub al-` Ilmīyah.

3. Āndulusī Abū Hayyān, Muhammad ibn Yūsuf, (1999), al-Bahr al-Muhīt Fī al-Tafsīr, Beirut: Dār al-Fikr.
4. Ibn ` Ashūr, Muhammad Ṭ āhir, (n.d), al-Tahrīr Wa al-Tanwīr.
5. Ibn ` Atīyah Āndulusī, ` Abdol-Haq ibn Ghālib, (2001), al-Muharrar al-Wajīz Fī Tafsīr al-kitāb al-` Azīz, Beirut: Dār al-Kutub al-` Ilmīyah.
6. Inb Manẓ ūr, Muhammad ibn Mukarram ibn ` Alī, (1993), lisān al-` Arab, Beirut: Dār Ṣ ādir.
7. Tha` labī, ` Abd al-Rahmān ibn Muhammad (1997), Jawāhir al-Hisān Fī Tafsīr al-Qur` an, Beirut: Dār Ihyā al-Turath al-` Arabī.
8. Al-Jamal, Ahmad Muhammad ` Alī,(2007), al-Qur` an Wa Lughat al-Suryānī, Majallah Kullīyah al-Lughāt Wa al-Tarjumah Jāmi` at al-Azhar Vol 42, al-Maktabah al-Shāmīlah.
9. Rāzī, Hussein ibn ` Alī (1987) Rawz al-Janān Rawh al-Janān Fī Tafsīr al-Qur` an , Mashhad: Bunyād Pazhūheshhāye Āstān Quds Raḍ avī.
10. Rāzī, Muhammad ibn ` Umar, (1999) Mafātīh al-Qhayb third edition, Beirut: Dar Ihyā al-Turāth al-` Arabī.
11. Zamakhsharī, Mahmūd, (1986) al-Kashshāf ` An Haqā` iq Ghawāmiḍ al-Tanzīl, Beirut: Dār al-Kutub al-` Arabī.
12. Ṭ abāṭ abāyī, Muhammad Hussein (1995), al-Mīzān Fī Tafsīr al- Qur` an, trans: Mūsavī Hamedānī Seyyed Muhammad Bāqer, Qom: Daftar Enteshārāt Islamī Jāme` ah Mudarresīn Hawzeh ` Elmīyeh.
13. Ṭ abrisī, Faḍ l ibn Hasan, (1993), Majma` al-Bayān Fī Tafsīr al- Qur` an, research and introduction: Muhammad Javād Balāghī.
14. Ṭ abrisī, Faḍ l ibn Hasan, (1993), Majma` al-Bayān Fī Tafsīr al- Qur`an, Trans: a group of Translators, research by: Muhammad Reḍ a Sūtūdeh, Tehran: Enteshārāt Farāhānī.
15. Ṭ abarī, Muhammad ibn Jarīr, (1991) Jāmi` al-Bayān Fī Tafsīr al-Qur` an , Beirut: Dār al-Ma` rifah.
16. Farāhīdī, Khalīl ibn Ahmad,(1988) Kitāb al-` Ayn, Qom: Nashr Hijrat .
17. Ya` qūb Ūjīn Manna, al-Maṭ arān (1975) Qāmūs Kaldānī ` Arabī, Beirut: Manshūrāt Markaz Bābil.
18. Costaz, Louis, S.J, 2002, Dictionnaire Syriaqus- Français, Syriac-English Dictionary, Third Edition, Beirut, dar al- Mashreq.
19. Luxenberg. Christoph, 2007, the syro – aramaic reading of the Koran: A contribution to the decoding of the language of the Koran, Berlin, schiler.
20. Margoliouth. MRS. 1903, A Compendius Syriac Dictionary, Founded upon the Thesarus Syriacus of R.Payne Smith· Oxfod at the Clarendon Press.

**Mohammad Ali Hemmati<sup>1</sup>**  
**Mohammad Kazem Shaker<sup>2</sup>**

Received: 2016/02/04

Accepted: 2016/07/16

**Abstract**

According to Muslim commentators in their interpretation of the verse 24 of Sura al- Maryam saying: "fa nādāhā min taḥteḥā allā taḥzinī qad ja' ala rabuka taḥtaki sarīyyā"; "But (a voice) cried to her from beneath the (palm-tree): Grieve not! for thy Lord hath provided a rivulet beneath thee;" the words "taḥahā" and "taḥtaki" means as "beneath Mary" and the word "sarīyyā" as "rivulet" and according to some, as "Jesus".

Christoph Luxemburg the author of "The syro- aramaic reading of the Qur'an" believes that the words "taḥt" and "sarīyyā" are syro- Aramic words. According to him, the expression "min taḥteḥā" meaning, "at the moment of her childbirth", and the term "sarīyyā" means "legitimate". Therefore, the verse should be translated into English as "Then he called to her immediately after her delivery: "Do not be sad, your Lord has made your delivery legitimate".

In this paper, based on comparative historical linguistics method, the words "taḥt" and "sarīyyā" have been examined in both Arabic and Syriac languages. The authors came to this result that Luxemburg's views in this respect is not precise and is to some extent selective. Hence, even according to Syriac lexical sources, Muslim commentators' views seem more correct.

**Keywords:** Syro-Aramic reading, Christoph Luxemburg, Foreign words, Sura Maryam, Comparative historical linguistics, Orientalists.

---

<sup>1</sup> Assistant professor at Shiraz College of Comparative Qur'anic Studies.  
(corresponding author) mohammadalihemati@gmail.com

<sup>2</sup> Full Professor at Qur'anic and Hadiths Studies Department of Allameh Tabataba'i University. mk.shaker@atu.ac.ir